

بخشی از کارنامه های توپ

در حوزه خشونت شناسی

بخش دوم

عبدالرحمان خان، توپ و توپ پراندن ها

نویسنده: نصیر مهرین

ناشر: تارنمای خراسان زمین

www.khorasanzameen.net

۳۱ جوزا (خرداد) ۱۳۹۵





واستان آن دست دیوانه سلاح تا زتو راضی شود عدل و صلاح

چون سلاحش هست و عقلش نه، ببند دست او را ورنه آرد صد گزند (1)

گزند و آسیبی که جامعه ما از قدرت مندان سلاحدار، خ، فاقد عقل و دیوانه صفت دیده است، تصور می شود به درستی بازشناسی نشده باشد. دیوانگانی که در چارچوب وظایف قدرت جویانه و تحمیل خویش بر مردم، هوشیار نیز بوده اند. در اینجا تأملی بر رویکرد عبدالرحمان خان یا یک تن از آنها داریم که مشهورتر است. او که خشونت و گونه از آسیب رسانی دیرپای را نهادینه نمود، در راستای تحقق اهداف خویش به توپ علاقه بسیار داشت.

تصویری که از ساختار حکومتگری امیر عبدالرحمان خان داریم، این است که اداره امور داخل افغانستان را با میل شخصی، آمیخته باخشونت و رفتارهای جاهلانه در پیش گرفته بود. اما در برابر مقام های بریتانیه که امور خارجی افغانستان را مانند زمان پدر و پدرکلانش از هند در اختیار داشتند، گردن خمیده و رفتار چاپلوسانه و مزدبگیر داشت، با کارنامه بی هم در زمینه خاکروشی. (2)

این امیر عبدالرحمان خان را که پدرش سالها پیش دیوانه نامیده بود (3)، دیوانه بود در کار داشتن قدرت و انجام وظایف تابعه آن، هوشیار. به طور مثال، موفقیت خویش را در داشتن ارتش و وسائل نظامی می دید. وقتی کار تأسیس فابریکه بی را آغاز کرد، در مرکز توجه اش ساختن تفنگ و توپ و مرمی بود.

وابسته گی او به هند بریتانیه یی و انصراف از استقلال خارجی افغانستان، تردیدی برای پذیرش این برداشت برجای نمی ماند که هدف او از داشتن سلاح، سرکوب مردم به جان رسیده از ناحیه فشار های مالیاتی و ظلم مامورین و مخالفانی بود که با قدرت او موافق نبودند.

یکی از ابزارهایی که برای سرکوب های در نظر داشته و گسترانیدن سایه هراس و ترس در خدمت او قرارداشت، توپ بود. بقیه ابزارهای خشونت آمیز و ترساننده مورد پذیرش او عبارت بودند از: سرو بریدن، ازکله ها منار ساختن، قین وفانه، غرب و غراب، چاندماری، ریختن روغن داغ در سر، انداختن متهم در سیاه چاه ها و غیره

عبدالرحمان خان در هنگام نوجوانی و در جریان فعالیت های نظامی از میزان کارکرد و حوزه تخریب توپ آگاهی حاصل کرده و به نقش آن دل بسته گی داشت. از اینرو هم در جنگ ها از آن استفاده می نمود و هم برای اجرای حکم اعدام و قتل مخالفان. هر پیروزی را که نیروی وی در جنگ قدرت طلبانه میان سرداران نصیب می شد، مدیون توپ نیز بود، به همین لحاظ است که از نقش توپ می نویسد:

"توپ های ما خیلی از آنها را تلف نمود."

در پهلوی توسل به توپ در جنگ ها، علاقه او به پراندن مخالفان به وسیله توپ از زمانی شکل گرفته بود که هنوز پدرش امیرمحمد افضل خان و پدرکلانش امیر دوست محمد خان زنده بودند. سالها بعد که بر تخت امارت کابل نشست از آن تجربه ها استفاده کرد. این دو دوره از توجه او به توپ را جدا گانه و با چند مثال از نظر می گذرانیم.

- می نویسد: " سپهسالار کل قشون پدرم، یک نفر انگلیسی به نام شیر محمد خان بود که تغییرمذهب داده بود. این صاحب منصب را که در انگلستان به اسم کمبل معروف بود، درسال 1250.ه.ق. درجنگ قندهار با شاه شجاع لشکر جدم اسیر نمودند . . . مرا خیلی دوست می داشت. رتبه سپهسالاری تمام قشون بلخ را که تعداد آن سی هزار و پانصد نفر بودند، دارا بود. از این تعداد پانزده هزار نفر عساکر نظامی سواره و پیاده و توپخانه بودند. . . هشتاد عراده توپ داشتیم. . . " (4)

و این مستر کمبل(شیرمحمد خان مسلمان شده) استاد آموزش های نظامی عبدالرحمان خان نیزبود.

- برای سرکوب مردم اندراب و خوست، "جدم، نیز دوفوج سرباز و هزار نفر خاصه دار و هزار سوار و شش توپ با سردار محمدشریف خان از کابل فرستاد . . آنها را کاملاً تنبیه نمودند. دوهزار از یاغی ها در میدان جنگ کشته و زخمی شدند." (5)
- در جنگ قطغن، "وکسانی را که اسیر می شدند من به دهن توپ می گذاشتم. در مدت سه ساله اغتشاش تعداد کسانی که به این قسم من کشته ام، تقریباً پنج هزار نفر می شدند و تعداد کسانی که از دست لشکر من کشته شدند، ده هزار نفر بودند." (6)
- در ادامه جنگ های خان آباد می گوید: ". . هشت کپیتان را حکم دادم به دهن گذاشتند." (7)
- "روزی تجار بدخشانی به به سوار های من حمله نمودند، . . تقریباً پنجاه نفر از این تجار را اسیر نموده به حضور من آوردند، من اسلحه و زین و پیراق آنها را بین سوار های خود تقسیم نمودم و اسب های آنها را به توپخانه دادم و ده هزار روپیه نقد که با خود داشتند به جهت خزانه خود ضبط نمودم . . راضی شدند که هر شخصی دو هزار روپیه داده جان خود را بخرند، ولی من حکم دادم همه آنها را به دهن توپ گذاشتند." (8) دروغ هم می گوید که آن تجار نفرهای مرا کشته بودند. در حالی که نتایج عملی و دزدانه وی با وضاحت حاکی از آن است که عبدالرحمان خان چشم دید آن را نداشت که آن تجار، چنان لباس فاخر، اسب ها و پول نقد را داشته باشند.

در این پیوند شایان یادآوری است که عبدالرحمان از دهن توپ پراندن مخالفان در بقیه کشورها و به ویژه هند بریتانیه بی مطلع بوده است. در هند انگلیسی ها از این وسیله اعدام و ایجاد رعب و ترس استفاده می نمودند.



توپ سازی و منظور امیر

امیر عبدالرحمان خان که با دروغ گفتن، دادن فحش (9)، فرمان دادن همیشگی و کشتن و بستن و دهن توپ پراندن بزرگ شده و پرورش یافته بود، از توپ در جنگ قدرت و تحکیم قدرت مطلقه نیز استفاده بسیار نمود. . .



پس از نشستن بر تخت امارت زیر سایه نفوذ هند بریتانیه، ساختن توپ را جدی تر در دستور کار قرار داد.

زیرا نخست از همه اگر به خلع سلاح مردم نیاز داشت، از سوی دیگر سلاح سازی را رونق بخشید داشت. می گوید: "اول ماشین های به جهت ساختن توپ و تفنگ و فشنگ اکتیاع نمودم . . ." (10) و می افزاید: "در غیاب مسترپاین (این مستر پاین به خواهش امیر از "فرمانفرمای هندوستان" که یک مهندس به کابل بفرستد، در زمینه احداث فابریکه های حربی در کابل نقش بسیاری داشت. از کابل رفت انگلستان و پس از مدتی برگشت) کارگرهای هندی و کابلی کارخانه های مختصری را که احداث کرده بودم، دایر داشتند و سال به سال در کارخانجات وسعت داده شد. . . ماشین تفنگ سازی به جهت تفنگ های هنری مارتینی و سایر تفنگ ها، ماشین های بزرگ خراطی، ماشین به جهت سوراخ نمودن و رهدار کردن توپ ها، . . . کوره های ماشینی به جهت آب نمودن سنگهای معادن و فلزات برای ساهتن توپ های بزرگ و عملیات آهنگری، ماشین ها به جهت ساختن شمشیر و چاشنی به جهت فشنگ

، ماشین به جهت پر نمودن فشنگ ماشین به جهت ریختن و ساختن نارنجک به جهت خمپاره و توپهای بزرگ . . . " (11)

ادامه دارد

توضیحات و رویکردها

- 1- بیت ها از مولوی جلال الدین بلخی اند.
 - 2- این موضوع در کتابک کوچک "دوچهره از امیر عبدالرحمان خان" از قلم اینجانب مفصل توضیح شده است.
 - 3- امیر در مورد صفت دیوانگی خویش می گوید: "پدرم تمام صاحب منصبان نظامی را مخاطب نموده اظهار داشت که من این پسر دیوانه خودم را سپهسالار شما مقرر نمودم." سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمان خان به کوشش ایرج افشار سیستانی. ص 37. چاپ اول. تهران. چاپ هما. 1369
 - 4- اثر بالا. ص 35
 - 5- اثر بالا. ص 46
 - 6- اثر بالا. ص 47
 - 7- اثر بالا ص 64
 - 8- اثر بالا ص 67
 - 9- دشنام دادن های امیر مشهور است و بارها به دیگران فحش داده است. نمونه پی را هم بنگریم که در جریان مشغولیت در جنگ های قدرت طلبانه، روزی همراه با عم اش سردار اعظم خان، گرسنه شده بود و از رهنمایی شخصی که آنها را به یک قریه رهنمایی می کرد، نیز اطمینان نداشت: سردار اعظم خان، برادرزاده خویش عبدالرحمان خان را دلداری می دهد و به شکیبایی چنین دعوت می کند:
- " مسافت زیادی را مراجعت نموده و به خانه او برویم که از ما پذیرایی نماید و چرس به جهت کشیدن ما، آذوقه به جهت همراهان ما حاضر نموده است."
- اما عبدالرحمان تاب و قرار خویش را از دست داده می گوید:
- " به او (فرد رهنما) گفتم بر پدرت لعنت، اسب و آدم از رفتار فروماندیم . . ." اثر بالا ص 155.

10- اثر بالا. ص 334

11- اثر بالا صص 340/339

توضیح عکس ها:

شماره عکس ها

- 1- فرستنده عکسی که از روی رسم گرفته شده است با چند قطعه دیگر که به موقع انتشار می یابند، دوست دانشورم دکتور اسدالله شعور است. دکتور شعور این توضیح را نیز پیوست نموده است: ". . . یک رسام فرانسوی چشمدید خود را از صحنه ی به توپ پراندن در شیرپور کابل رسم نموده تاریخ آن در ذیل عکس درجست، یک نمونه از چنین رسم در هند است."
- 2- نمونه از توپ پراندن در هند است. سال 1857 که درآرشیف جهانی به توپ پراندن انتشار یافته است. همچنان زیر عنوان *britische herrschaft in indien* از طریق گوگل می توان به این تصویر آشنا شد.
- 3- نقاشی صحنه از جنگ سپاه امیر عبدالرحمان خان که در آن از توپ استفاده نمود در مناطقی که نورستان نامیده شد. منبع: کتاب *عین الوقایع*. تاریخ افغانستان در سالهای 1207-1324. ق. نوشته محمد یوسف ریاضی هروی. به کوشش محمد آصف فکرت هروی. تاریخ انتشار 1369. مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی. موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.